

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



عربی، زبان قرآن (۱)

کلیه رشته های شاخه فنی و حرفه ای و کاردانش

پایه دهم دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:	عربی، زبان قرآن (۱) - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۲۱۰۱۱۱
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	گروه درسی عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری - محمّد کاظم بهنیا (ویراستار)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی:	احمد رضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمّد مهدی ذبیحی فرد (مدیر هنری، طراح جلد و صفحه‌آرا) - آزاده امینیان (تصویرگر) - رعنا فرح‌زاده دروئی، الهام جعفرآبادی، فریبا سیر و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان:	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
ناشر:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
چاپخانه:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ:	چاپ سوم ۱۴۰۱



کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.





قال الإمام الخميني (قدس سره) :


«اللغة العربية لغة الإسلام و الإسلام للجميع.»

أَلْفِهْرَسُ

- الف | بيشگفتار 
- ۱ | أَلَدْرَسُ الْأَوَّلُ 
- ۲ | أَهْمِيَّةُ الْعَمَلِ
- ۳ | مُرَاجَعَةُ الْقَوَاعِدِ
- ۴ | حِوَارُ (الْتَعَارُفِ)
- ۵ | الْتَمَارِينِ

- ۷ | أَلَدْرَسُ الثَّانِي 
- ۸ | يَدُ الْفَلَّاحِ
- ۱۰ | الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ
- ۱۱ | حِوَارُ (بَيْنَ سَائِحِينَ)
- ۱۲ | الْتَمَارِينِ

- ۱۷ | أَلَدْرَسُ الثَّلَاثِ 
- ۱۸ | قِيَمَةُ الْعَمَلِ
- ۲۱ | الْأَمَاضِي وَ الْمُضَارِعُ وَ الْمَصْدَرُ (۱)
- ۲۵ | حِوَارُ (فِي قِسْمِ الْجَوَازَاتِ)
- ۲۶ | الْتَمَارِينِ

- ۲۹ | أَلَدْرَسُ الرَّابِعِ 
- ۳۰ | هَذَا خَلَقَ اللَّهُ
- ۳۳ | الْأَمَاضِي وَ الْمُضَارِعُ وَ الْمَصْدَرُ (۲)
- ۳۷ | حِوَارُ (فِي صَالَةِ التَّفْتِيْشِ بِالْجَمَارِكِ)
- ۳۸ | الْتَمَارِينِ

پیشگفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای هنرجویان

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش نخستین کتاب «عربی» ویژه پایه دهم رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم. شایسته است دبیر عربی برای تدریس این کتاب، کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به‌دقت مطالعه کرده باشد.

تدریس بدون اطلاع از آموخته‌های پیشین هنرجو، تدریسی موفق نخواهد بود.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی».

هدف اصلی آموزش زبان عربی، فهم متن به‌ویژه فهم قرآن کریم و متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

شیوه تألیف کتاب‌های عربی، متن‌محوری است. انتظار می‌رود هنرجوی پایه دهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و عبارات ساده قرآنی را در حد ساختارهای خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

این کتاب با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتاب‌های درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، احادیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است، به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است. مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکيدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱ این کتاب در چهار درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در پنج ساعت آموزشی تدریس کرد.

زمان تدریس، یک ساعت در هفته است. برخی مدرسه‌ها، درس عربی را دو هفته یک بار در دو ساعت آموزشی، برنامه‌ریزی می‌کنند.

۲ آزمون نوبت اول در دی ماه از درس اول و دوم است.

۳ هنجروی پایه دهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخُو كُنَّ الصَّغِيرُ». هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در کتاب عربی پایه نهم این بود که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَخِي الْعَزِيزُ» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت خوانی. (در ساعت خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است).

۴ درس اول مرورِ آموخته‌های پیشین است.

۵ در درس دوم، عددها آموزش داده می‌شود. در دوره اول متوسطه، عددهای اصلی و ترتیبی تا دوازده آموزش داده شده است. در این کتاب عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده خواهد شد. مباحث مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست.

۶ هدف آموزشی درس سوم و چهارم این است که فراگیر با استفاده از آموخته‌های سه سال اول با فعل‌هایی آشنا شود که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص ثلاثی مجرد از ثلاثی مزید و ذکر نوع باب و صیغه فعل از اهداف آموزشی نیست. هر فعلی که تغییرات پیچیده صرفی دارد از اهداف کتاب نیست؛ برای نمونه هرچند در کتاب، فعل «أَرَادَ» به کار رفته و فعل «أَفْعَلَ» نیز آموزش داده شده است؛ اما از فعل «لَا تُرَدُّ» سؤال طرح نمی‌شود و اگر معنای «أَرَادَتْ» را در جمله بخواهیم، اشکالی ندارد؛ چون تغییر ریشه‌ای در مقایسه با «أَرَادَ» ندارد.

۷ نیازی به جزوه مکمل قواعد نیست. آنچه لازم بوده در کتاب آمده است یا در سال‌های بعد خواهد آمد.

۸ پژوهش و کار عملی فعالیت‌هایی مانند نمایش، سرود، ترجمه تصویری، روزنامه دیواری و داستان‌نویسی است.

۹ تحلیل صرفی و اعراب، تعریب، اعراب‌گذاری، تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۰ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دوره اول متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هَوَ، هُمَا، هُم، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُمَا، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمَا، أَنْتُنَّ، أَنَا، نَحْنُ».

شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بوده و فراگیران درس را بهتر آموخته‌اند.

۱۱ روخوانی‌های هنرجو و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال، نمره شفاهی وی را تشکیل می‌دهد.

۱۲ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد.

۱۳ از بخش النِّشَاطُ اللُّغَوِيّ و البَحْثُ العِلْمِيّ در امتحانات، مسابقات و کنکور سؤال طرح نمی‌شود.

۱۴ ذکر صیغه به صورت مفرد مذکر غایب، سوم شخص مفرد یا لِلْغَائِبِ از اهداف کتاب نیست؛ لذا در امتحانات، مسابقات و کنکور از آن سؤال طرح نمی‌شود.

۱۵ از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا هنجویان با این شیوه از دوره اول متوسطه به دوره دوم متوسطه آمده‌اند. اگر تمایل دارید از نظریات شما آگاه شویم، می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

نشانی وبگاه گروه درسی عربی: <http://arabic-dept.talif.sch.ir>

سخنی با هنرجویان عزیز

زبان عربی را می‌آموزیم؛ زیرا:
زبان قرآن، حدیث و دعاست.
زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است.
زبان و ادبیات فارسی با آن در آمیخته و برای فهم بهتر زبان فارسی، آشنایی با زبان عربی لازم است.
یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است.
زبانی کامل، پرمعنا و قوی است.
ادبیات آن غنی است.
چند سده، بسیاری از متون علمی در ایران به زبان عربی نگاشته شد؛ مانند: متون پزشکی، ستاره‌شناسی، ریاضیات، فلسفه، تاریخ، جغرافی و ...
این کتاب ادامه سه کتاب پیشین است. هرآنچه در سه سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است.
ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما دارد.
استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود؛ زیرا در آنها تخلف آشکار از اهداف آموزشی دیده می‌شود؛ در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای کنکور و مسابقات طرّاحی می‌شود، موارد بسیاری از اهداف آموزشی زبان آموزی نیست.
برای یادگیری هر زبانی باید بسیار تکرار و تمرین کرد. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش مطالعه کنید.
هدف این کتاب، فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید و درست بفهمید و ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید.



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



حَرْفَةُ الْمَرْءِ كَنْزُهُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

پیشه انسان گنج است.

أَهْمِيَّةُ الْعَمَلِ

يَهْتَمُّ* الْإِسْلَامُ بِالْعَمَلِ الَّذِي يَنْفَعُ الْآخَرِينَ وَ لَا يَضُرُّ* النَّاسَ وَ يَكُونُ* فِي كَسْبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ. الْهَدَفُ مِنَ الْعَمَلِ لَا يَنْحَصِرُ* فِي الْحُصُولِ عَلَى الْمَالِ وَ جَمْعِهِ فَقَط. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا يَنْظُرُ إِلَى شَخْصٍ يُعْجِبُهُ* يَسْأَلُ: «هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ؟» فَإِنْ قِيلَ* لَا؛ كَانَ يَقُولُ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي.

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ...﴾ الْجَائِزَةُ: ١٥

الْأُمُورُ* بِالتَّجْرِبَةِ، الْأَعْمَالُ بِالْخُبْرَةِ*. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَلَبَ الْحَلَالَ فَرِيضَةً عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْكَاسِبُ حَبِيبُ اللَّهِ وَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَحَرِّفَ*. الْإِمَامُ الضَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تَسَعَةٌ مِنْهَا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْكَادُ* عَلَى عِيَالِهِ* مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْعَمَلُ بِالْيَدِ مِنْ عَمَلِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ* وَ الْأَوْصِيَاءِ* وَ الصَّالِحِينَ. الْإِمَامُ مُوسَى الْكَاسِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْمُعْجَم

أُمُورٌ: چیزها «مفرد: أمر»	لا يَضُرُّ: ضرر نمی زند
إِنْ قِيلَ: اگر گفته می شد «قيل: گفته شد»	لا يَنْحَصِرُ: منحصر نمی شود
أَوْصِيَاءٌ: جانشینان پیامبر «مفرد: وصي»	مُتَحَرِّفٌ: پیشه‌ور، دارای حرفه
حِرْفَةٌ: پیشه «جمع: حرف»	مُرْسَلِينَ: فرستادگان
خُبْرَةٌ: کردانی و کارآزمودگی	يُعْجِبُهُ: از او خوشش می آید
صَالِحٌ: درستکار، کار درست	يَكُونُ: می باشد
عِيَالٌ: افراد خانواده	يَهْتَمُّ بِ: اهمیت می دهد به
كَادٌ: تلاشگر = مُجِدِّ، مُجْتَهِدٌ	

اعلموا

مُراجَعَةُ الْقَوَاعِدِ:

نوع فعل			ضمير		من	تو	او	ما	شما	ایشان
نهی	امر	مضارع								
		أَفْعَلُ	فَعَلْتُ	كِتَابِي	أَنَا					
		تَفَعَّلُ	فَعَلْتِ	كِتَابُكَ	أَنْتَ					
		تَفَعَّلِينَ	فَعَلْتِ	كِتَابُكِ	أَنْتِ					
		يَفْعَلُ	فَعَلَ	كِتَابُهُ	هُوَ					
		تَفَعَّلُ	فَعَلَتْ	كِتَابُهَا	هِيَ					
		نَفْعَلُ	فَعَلْنَا	كِتَابُنَا	نَحْنُ					
لا تَفْعَلُوا	اَفْعَلُوا	تَفْعَلُونَ	فَعَلْتُمْ	كِتَابُكُمْ	أَنْتُمْ					
لا تَفْعَلْنَ	اَفْعَلْنَ	تَفْعَلْنَ	فَعَلْتُنَّ	كِتَابِكُنَّ	أَنْتُنَّ					
لا تَفْعَلَا	اَفْعَلَا	تَفْعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	كِتَابُكُمَا	أَنْتُمَا					
لا تَفْعَلَا	اَفْعَلَا	تَفْعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	كِتَابُكُمَا	أَنْتُمَا					
		يَفْعَلُونَ	فَعَلُوا	كِتَابُهُمْ	هُمْ					
		يَفْعَلْنَ	فَعَلْنَ	كِتَابُهُنَّ	هُنَّ					
		يَفْعَلَانِ	فَعَلَا	كِتَابُهُمَا	هُمَا					
		تَفْعَلَانِ	فَعَلْتَا	كِتَابُهُمَا	هُمَا					

این جدول یادآوری مهم‌ترین آموخته‌های دورهٔ اول متوسطه است؛ یادگیری مطالب جدول، در یک جلسهٔ

یک ساعته در کلاس درس امکان‌پذیر نیست. با تکرار و تمرین در منزل، این مطالب را ملکهٔ ذهن خود کنید.

جَوَّارٌ (التَّعَارُفُ) *

مُوظَّفٌ قَاعَةِ الْمَطَارِ *	الْمُسَافِرُ
صَبَاحَ النَّوْرِ وَ السُّرُورِ.	صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.
أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟	كَيْفَ حَالُكَ؟
عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟	بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.
مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	أَنَا مِنْ إِيْرَانِ.
إِسْمِي سَعِيدٌ.	إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
لَا، مَعَ الْأَسْفِ * . لِكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ * .	هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانِ حَتَّى الْآنَ؟
إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانِ!
فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ.	فِي أَمَانِ اللَّهِ.



مَطَار: فرودگاه «جمع: مطارات» مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ نام شريف
أَنْ أُسَافِرَ: كه سفر كنم «ماضي: سَافَرَ/ مضارع: يُسَافِرُ»

قَاعَةُ: سالن «جمع: قاعات» تَعَارُف: آشنایی
مَعَ الْأَسْفِ: متأسفانه شما چیست؟



التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أ. عَيْنُ * التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ لِلْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ؛ ثُمَّ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ.

۱- إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
برای [دنیایت] دنیا [] چنان کار کن گویی همیشه [زندگی می‌کنی] لذت می‌بری [] و برای آخرت چنان
کار کن گویی [فردا می‌میری] نزدیک است [بمیری] [].

۲- أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
به آنچه گفته است [بنگر] می‌نگرم [] و به آن که گفته است [بنگر] نمی‌نگرم [].

۳- إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
هرگاه فرومایگان [فرومایه‌ترها] [به فرمانروایی برسند] توانا شوند []; شایستگان [برترها] هلاک می‌شوند.

۴- مَنْ زَرََعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
هرکس [دشمنی] دوستی [] کاشت؛ [زیان] سود [] درو کرد.

۵- الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ. قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
سخن مانند داروست. اندکش [سود می‌رساند] شفا می‌دهد [] و بسیارش [کشنده] است.

۶- أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
دانش را [می‌جویند] بجوید [] گرچه در چین باشد؛ زیرا جستنِ دانش [واجب] شایسته [] است.

۷- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ، فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
هرگاه [بر دشمنت توانایی یافتی] دشمن را شکست دادی []; بخشیدنِ او را شکرانه‌ی قدرت یافتن بر او [قرار
می‌دهی] قرار بده [].

۸- قَوْلٌ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
گفتنِ [نادانم] نمی‌دانم [] نیمی از دانش است.

۱- عَيْنٌ: مشخص کن
۲- إِجْعَلْ + الْعَفْوُ = إِجْعَلِ الْعَفْوَ (حرف ساکن لام در فعل امر إِجْعَلْ، به دلیل برخورد با حرف ساکن لام در الْعَفْوُ کسره گرفته است. در اصطلاح گفته می‌شود «التِّقَاءُ سَاكِنِينَ» شده است.)

ب. اُكْتُبِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَضَادَّةَ فِي الْحَدِيثِ الْأَوَّلِ وَالْخَامِسِ.

..... ≠

ج. اُكْتُبِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ فِي الْفَرَاغِ^١.

[أَفْضَلُ / قَوْلُ / عُدْوَانُ / قُوَّةُ / أَحْسَنُ / كَلَامُ / قُدْرَةٌ / عَدَاوَةٌ]

..... =

..... =

..... =

..... =

د. اُكْتُبِ مَفْرَدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

أَفْاضِلُ: حِرْفٌ: فَرَائِضُ: أَعْمَالُ:

ه. اُكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلَةِ السَّابِعَةِ.



الْتَّمَرِينَ الثَّانِي: تَرْجِمُ*^٢ فَعَلَ كُلُّ جُمْلَةٍ، ثُمَّ اُكْتُبِ نَوْعَهُ.

١- أَلَوْلَدُ كَتَبَ دُرُوسَهُ.

٢- صَدِيقِي يَكْتُبُ رِسَالَةً.

٣- رَجَاءٌ، اُكْتُبْ وَاجِبَاتِكَ.

٤- زَمِيلِي مَا كَتَبَ التَّمَرِينَ.

٥- هُوَ سَيَكْتُبُ عَلَى اللَّوْحِ.

٦- سَوْفَ يَكْتُبُ الطَّيِّبُ وَصْفَةً.

٧- لَا يَكْتُبُ الْعَاقِلُ عَلَى الشَّجَرَةِ.

٨- مِنْ فَضْلِكَ لَا تَكْتُبْ عَلَى كُرْسِيِّكَ.



الْتَّمَرِينَ الثَّلَاثُ: اُكْتُبِ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ، وَحُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

١- نَاصِرٌ، مَنصُورٌ، نَصِيرٌ:

٢- صَبَّارٌ، صَبُورٌ، صَابِرٌ:

١- فَرَاغٌ: جَاى خَالِي «جَمْع: فَرَاغَاتٌ» ٢- تَرْجِمُ: تَرْجِمُهُ كُن



الدَّرْسُ الثَّانِي



إِزْرَعُوا وَاعْرِسُوا*، ... وَاللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ*
وَلَا أَطْيَبَ مِنْهُ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

کشاورزی کنید و نهال بکارید ... به خدا سوگند مردم کاری را حلال تر و خوب تر از آن انجام نداده اند.

يَدُ الْفَلَّاحِ

توجدُ قِصَصٌ كَثِيرَةٌ فِي تَارِيخِ الْإِسْلَامِ تُبَيِّنُ لَنَا قِيَمَةَ الْعَمَلِ؛ مِنْهَا:



كَانَ النَّبِيُّ ﷺ جَالِسًا مَعَ خَمْسَةِ مِنْ أَصْحَابِهِ تَحْتَ شَجَرَةٍ؛
فَدَخَلَ عَلَيْهِمْ رَجُلٌ ذُو وَجْهِ * أَسْمَرٍ * وَيَدَيْنِ خَشِيتَيْنِ *؛
فَهُمُ الْحَاضِرُونَ مِنْ ظَاهِرِهِ أَنَّهُ فَلَاحٌ * وَمِهْنَتُهُ * الزَّرَاعَةُ.
عِنْدَيْهِ * ضَحْكٌ وَاحِدٌ مِنَ الْحَاضِرِينَ
وَإِرَادَ أَنْ يَسْتَهْزِئَ بِهِ *؛
لَكِنَّ النَّبِيَّ ﷺ عِنْدَمَا شَاهَدَهُ رَحَّبَ بِهِ *
وَأَجْلَسَهُ * إِلَى جَانِبِهِ.
فَتَعَجَّبَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْحَاضِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ؛

ثُمَّ تَعَجَّبُوا كَثِيرًا حِينَمَا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَدَ الْفَلَّاحِ بِيَدِهِ وَقَالَ:

«إِنَّهَا يَدٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ».



سَأَلَ رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرَعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ.

رَحِمَ اللَّهُ * أَمْرًا عَمِلَ عَمَلًا، فَأَتَقَنَهُ * . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

آفَةُ النَّجْحِ * الْكَسَلُ * . الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْمُعْجَم

أَتَقَنَ عَمَلًا: کاری را درست و استوار انجام داد

«مضارع: يَتَقَنُ»

أَجْلَسَ: نشانید «مضارع: يُجْلِسُ»

أَحَلَّ: حلال تر

أَسْمَرَ: گندمگون

أَطِيبَ: خوب تر

إِغْرَسُوا: نهال بکارید

«ماضی: غَرَسَ / مضارع: يَغْرَسُ»

تُبِّئَ: آشکار می کند «ماضی: بَيَّنَّ»

ذو: دارای

ذو وَجْهِ أَسْمَرَ: دارای چهره ای گندمگون

رَحَبَ بِهِ: به او خوشامد گفت

«مضارع: يُرَحِّبُ»

رَحِمَ اللَّهُ: خدا رحمت کند!

عِنْدَيْدٍ: در این هنگام

كَسَلٌ: تنبلی ≠ نشاط

مِهْنَةٌ: شغل = حِرْفَةٌ، شُغْلٌ «جمع: مِهَنٌ»

نُجْحٌ: موفقیت = نَجَاحٌ

يَدَيْنِ حَسَنَتَيْنِ: دو دست زبر «حَسَنَةٌ: زبر»

يَسْتَهْزِئُ بِهِ: او را ریشخند می کند

«ماضی: اسْتَهْزَأَ بِ»

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ إجاباتٍ قَصِيرَةً.

- ١- ما كانت مهنة الرجل الذي دخل على النبي ﷺ؟
- ٢- ماذا أراد أن يفعل الرجل الذي ضحك على الفلاح؟
- ٣- كيف كان ظاهر الرجل الذي دخل في المجلس؟
- ٤- كم صحابياً كان جالسا مع النبي ﷺ؟
- ٥- من رحب بالرجل الذي دخل الحاضرين؟
- ٦- أين كان رسول الله ﷺ جالسا؟

اعلموا

الأعداد من واحد إلى مئة

الأعداد الترتيبية (الأول إلى العشرين)		الأعداد الأصلية (واحد إلى مئة)		
الأول ١م	أحادي عشر ١١م	عشرة ١٠	أحد عشر ١١	واحد ١
الثاني ٢م	اثنان ١٢م	عشرون ٢٠	اثنان عشر ١٢	اثنان ٢
الثالث ٣م	ثلاثة عشر ١٣م	ثلاثون ٣٠	ثلاثة عشر ١٣	ثلاثة ٣
الرابع ٤م	أربعة عشر ١٤م	أربعون ٤٠	أربعة عشر ١٤	أربعة ٤
الخامس ٥م	خمس عشر ١٥م	خمسون ٥٠	خمسة عشر ١٥	خمسة ٥
السادس ٦م	سادس عشر ١٦م	ستون ٦٠	ستة عشر ١٦	ستة ٦
السابع ٧م	سابع عشر ١٧م	سبعون ٧٠	سبعة عشر ١٧	سبعة ٧
الثامن ٨م	ثمان عشر ١٨م	ثمانون ٨٠	ثمانية عشر ١٨	ثمانية ٨
التاسع ٩م	تاسع عشر ١٩م	تسعون ٩٠	تسعة عشر ١٩	تسعة ٩
العاشر ١٠م	عشرون ٢٠م	مئة ١٠٠	عشرون ٢٠	عشرة ١٠

- ١- عددهاى اصلى ثلاثة تا عَشْرَة به دو شكل با «ه» و بدون «ه» مى آيند؛ مثال: أَرْبَعَة و أَرْبَع.
- ٢- عددهاى ٢٠، ٣٠، ٤٠، ٥٠، ٦٠، ٧٠، ٨٠، ٩٠ با «ون» و «ين» مى آيد؛ مثال: أَرْبَعُونَ و أَرْبَعِينَ.
- ٣- «مئة» به صورت «مائة» نيز نوشته مى شود.
- ٤- در زبان عربى، يکان پيش از دهگان مى آيد؛ مثال: «أَرْبَعَة وَ خَمْسُونَ» يعنى «پنجاه و چهار».

حوارٌ (بينَ سائِحِينَ)

سائِحٌ مِنَ الْعِرَاقِ

سائِحٌ* مِنْ إِيرانَ

مَسَاءَ النُّورِ.

مَسَاءَ الْخَيْرِ.

لا؛ أَنَا مِنَ الْعِرَاقِ. أَأَنْتَ مِنَ بَاكِسْتانَ؟

هَلْ حَضَرْتُكَ* مِنَ الْكُوَيْتِ؟

جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى؛ وَكَمْ مَرَّةً جِئْتَ أَنْتَ؟

لا؛ أَنَا إِيرانِيٌّ. كَمْ مَرَّةً جِئْتَ لِلزِّيَارَةِ؟

كَمْ عُمْرُكَ؟

أَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.

مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟

عُمْرِي سِتَّةَ عَشَرَ عَامًا.

طَبِيعَةُ إِيلَامَ جَمِيلَةٌ.

أَنَا مِنْ إِيلَامَ.

نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الثَّامِنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

هَلْ ذَهَبْتَ إِلَى إِيرانَ مِنْ قَبْلِ؟

إِنَّ إِيرانَ بَلَدٌ جَمِيلٌ جَدًّا.

كَيْفَ وَجَدْتَ إِيرانَ؟



سائِح: گردشگر «جمع: سائِحُونَ و سائِح» حَضَرْتُكَ: حضرت عالی

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: أَجِبْ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ التَّالِيَةِ كَالْمِثَالِ.

- (+ زائدٌ) * (- ناقصٌ) * (÷ تقسيمٌ على) (× في ، ضربٌ في ١)
- ١- عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي * ثَلَاثِينَ.
 - ٢- تِسْعُونَ نَاقِصٌ أَرْبَعِينَ يُسَاوِي حَمْسِينَ.
 - ٣- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عِشْرِينَ.
 - ٤- سِتَّةٌ فِي أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةً وَ سِتِّينَ.
 - ٥- حَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةَ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.
 - ٦- اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اِثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ.

التَّمْرينُ الثَّانِي: اكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا مُنَاسِبًا.

- ١- اَلشَّهْرُ الـ مِنْ شُهورِ السَّنَةِ شَهْرُ مِهْرٍ.
- ٢- اَلْيَوْمُ الـ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْحَمِيسِ.
- ٣- نَحْنُ فِي الصَّفِّ الـ فِي هَذِهِ السَّنَةِ الدَّرَاسِيَّةِ.
- ٤- اَلْفَصْلُ الـ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الشِّتَاءِ.
- ٥- اَلْفَصْلُ الـ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الْخَرِيفِ.
- ٦- يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً وَ الْفَائِزُ الـ جَائِزَةً فَضِيَّةً.

١- برای اختصار، کلمه «ضرب» در «ضرب في» حذف می‌شود.

زائد؛ به علاوه ناقص؛ منهای يساوي؛ مساوی است با «ماضي: ساوي»

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: اِنْتِخِبِ الصَّحِيحَ.

- ۱- سِتَّةٌ وَ سَبْعُونَ: ۶۷ ۷۶
- ۲- ثَلَاثَةٌ عَشَرَ: ۲۳ ۱۳
- ۳- تِسْعَةٌ وَ ثَلَاثُونَ: ۳۹ ۹۳
- ۴- اَلْسَادِسَ عَشَرَ: ۱۶م ۱۹م

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: صَعْ * فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا مِنَ الْأَعْدَادِ التَّالِيَةِ؛ ثُمَّ كَمِّلِ التَّرْجَمَةَ.

خَمْسٌ / اِثْنَانِ / ثَلَاثَةٌ

۱- اَلصَّبْرُ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ *، وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ *. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
بردباری گونه است: بردباری بر مصیبت و بردباری بر بندگی و بردباری بر نافرمانی.

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ: «فَاطِعِ الرَّجْمِ وَ جَارِ السَّوَةِ».
فرستاده خدا ﷺ فرمود: نفر خدا، روز رستاخیز به آنها نمی‌نگرد: بُرْنَدَةُ بِيُونَدِ خُوَيْشَانَ وَ هَمْسَايَهُ بَد.

۳- عِلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ: اَلْوَرَعُ فِي الْخَلْوَةِ، وَ الصَّدَقَةُ فِي الْقِلَّةِ *، وَ الصَّبْرُ
عَلَى الْمُصِيبَةِ، وَ الصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ، وَ الْحِلْمُ * عِنْدَ الْعَضْبِ. اَلْإِمَامُ السَّجَّادُ ؑ
نشانه‌های مؤمن چیز است: پارسایی در خلوت، صدقه در تنگدستی، بردباری بر مصیبت،
راستگویی هنگام ترس و شکیبایی هنگام خشم.

صَعْ: بگذارد «ماضی: وَصَعَ / مضارع: يَصْعُ» كَمَّلُ: کامل کن «ماضی: كَمَّلَ / مضارع: يُكَمِّلُ» طاعة: بندگی
مَعْصِيَةٌ: نافرمانی قَلَّةٌ: کمی ≠ کثرة حِلْمٌ: شکیبایی = صَبْرٌ



التَّمرِينُ الخَامِسُ: اُكْتُبِ السَّاعَةَ بِالأَرْقَامِ.

١- الأَحَادِيَةَ عَشْرَةَ إِلاَّ عَشْرَ دَقَائِقَ.

٢- السَّابِعَةَ وَعِشْرُونَ دَقِيقَةً.

٣- الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَاماً.

٤- السَّادِسَةَ إِلاَّ رُبْعاً.

٥- الخَامِسَةَ وَالتَّصْفُ.



الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ.

- ١- هَلْ تَعَلَّمُ أَنَّ طَوْلَ قَامَةِ الزَّرَافَةِ سِتَّةَ أَمْتَارٍ* وَ تَسْتَطِيعُ رُؤْيَةَ خَلْفِهَا دُونَ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا؟
- ٢- هَلْ تَعَلَّمُ أَنَّ الْكَلْبَ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ* صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟
- ٣- هَلْ تَعَلَّمُ أَنَّ عَدَدَ أَنْوَاعِ الْأَسْمَاكِ يَزِيدُ عَنِ* خَمْسَةِ وَ عِشْرِينَ أَلْفَ نَوْعٍ؟
- ٤- هَلْ تَعَلَّمُ أَنَّ النَّمْلَةَ* تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ* وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟
- ٥- هَلْ تَعَلَّمُ أَنَّ ثَمَانِينَ بِالْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ؟

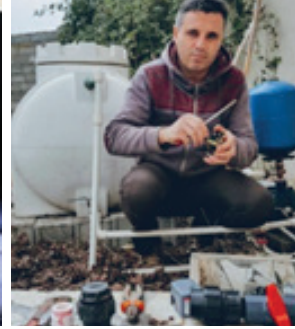


أمتار: جمع متر دونَ أَنْ تُدِيرَ: بى آنكه بچرخاند «ماضى: أدار/ مضارع: يُدير» سَمَاع: شنیدن = سَمْع
يَزِيدُ عَنِ: بیش از ... است نَمْلَةَ: مورچه يَفُوقُ: بالاتر است از ...

النشاط اللغوي

اكتب اسم كل مهنة باللغة العربية تحت صورتها المناسبة.

فلاحة / بيطرية / صانعة التماثيل / تقني الحاسوب / طبخة / مصممة السيارات / مهندس
العمارة / مصمم الأنابيب (سباك) / مصمم الأجهزة المنزلية / محاسبة / مصورة / عامل
المطبعة





۳

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

قِيَمَةُ الْعَمَلِ

عِنْدَمَا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ إِحْدَى الْغَزَوَاتِ* ،
 اسْتَقْبَلَهُ* أَحَدُ أَصْحَابِهِ بِاسْمِ «سَعْدِ الْأَنْصَارِيِّ» ،
 فَصَافَحَهُ* النَّبِيُّ ﷺ وَوَجَدَ يَدَهُ خَشِنَةً ؛
 ثُمَّ سَأَلَهُ :

لِمَاذَا يَدُكَ هُكَذَا؟

أَجَابَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَشْتَغِلُ فِي الْمَزْرَعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى* اللَّيْلِ لِنَفَقَةِ
 عِيَالِي .

فَقَبَّلَ* رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَدَهُ وَقَالَ :

«هَذِهِ يَدٌ لَا تَمَسُّهَا النَّارُ أَبَدًا» .



إِسْتَقْبَلْ: به پیشواز رفت

«مضارع: يَسْتَقْبِلُ»

حَتَّى: تا = إلى

صَافِحَ: دست داد

«مضارع: يُصَافِحُ»

غَزَوَات: جنگ‌ها «مفرد: غَزْوَةٌ»

قَبَّلَ: بوسید

«مضارع: يُقَبِّلُ»

لَا تَمَسُّ: لمس نمی‌کند

«ماضی: مَسَّ»



أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ إِجَابَةً قَصِيرَةً.

١- مَتَى اسْتَقْبَلَ الصَّحَابِيُّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ؟

.....

٢- لِمَاذَا كَانَ الصَّحَابِيُّ يَشْتَغِلُ حَتَّى اللَّيْلِ؟

.....

٣- كَيْفَ كَانَ ظَاهِرُ يَدِ الصَّحَابِيِّ؟

.....

٤- مَنْ سَأَلَ: «لِمَاذَا يَدُكَ هَكَذَا»؟

.....

٥- مَا اسْمُ الصَّحَابِيِّ فِي الْقِصَّةِ؟

.....

٦- أَيْنَ كَانَ الصَّحَابِيُّ يَشْتَغِلُ؟

.....

وَأَنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ

اعلموا

الماضي و المضارع و المصدر (۱)

بیشتر فعل‌های «ماضی سوم شخص مفرد» که با آن آشنا شده‌اید، از سه حرف اصلی تشکیل می‌شدند؛ مانند: خَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

«ماضی سوم شخص مفرد» برخی فعل‌ها بیشتر از سه حرف اصلی است؛ مانند:

إِسْتَخْرَجَ، اعْتَرَفَ، انْقَطَعَ و تَشَكَّرَ.

اکنون با فعل‌هایی آشنا می‌شوید که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها علاوه بر سه حرف اصلی، حرف یا حروف بیشتری دارد.

وزن فعل‌ها و مصدرهای جدول زیر را حفظ کنید.

ماضی	مضارع	مصدر
إِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	إِسْتِفْعَالٌ
إِفْتَعَلَ	يِفْتَعِلُ	إِفْتِعَالٌ
انْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	انْفِعَالٌ
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعُّلٌ

مثال:

ماضی	مضارع	مصدر
إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	إِسْتِرْجَاعٌ: پس گرفتن
إِشْتَعَلَ: کار کرد	يَشْتَعِلُ: کار می‌کند	إِشْتِعَالٌ: کار کردن
انْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	انْفِتَاحٌ: باز شدن
تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش‌آموخته می‌شود	تَخَرُّجٌ: دانش‌آموخته شدن

آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است شناسه‌ها هستند که در سه سال گذشته با آنها آشنا شده‌اید.
یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

«تُ» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم) مانند:

اِسْتَخْرَجْتُ اِكْتَسَبْتُ اِنْسَحَبْتُ تَعَلَّمْتُ

«تَ» در «فَعَلْتَنِي» (انجام دادی) مانند:

اِسْتَخْرَجْتَنِي اِكْتَسَبْتَنِي اِنْسَحَبْتَنِي تَعَلَّمْتَنِي

«-» در «فَعَلَّ» (انجام داد) مانند:

اِسْتَخْرَجَ اِكْتَسَبَ اِنْسَحَبَ تَعَلَّمَ

«نا» در «فَعَلْنَا» (انجام دادیم) مانند:

اِسْتَخْرَجْنَا اِكْتَسَبْنَا اِنْسَحَبْنَا تَعَلَّمْنَا

«تُمْ» در «فَعَلْتُمْ» (انجام دادید) مانند:

اِسْتَخْرَجْتُمْ اِكْتَسَبْتُمْ اِنْسَحَبْتُمْ تَعَلَّمْتُمْ

«وا» در «فَعَلُوا» (انجام دادند) مانند:

اِسْتَخْرَجُوا اِكْتَسَبُوا اِنْسَحَبُوا تَعَلَّمُوا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

اِسْتَخْلَعُ: کار کرد	اِسْتَخْلَعُوا:
تَعَلَّمُ: یاد گرفت	تَعَلَّمْتُمْ:
اِنْقَطَعَ: بریده شد	اِنْقَطَعْتُ:
اِسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست	اِسْتَغْفَرْنَا:

یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أَ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم) مانند: اِسْتَخْرِجُ اِكْتَسِبُ اِنْسَحِبُ اَتَعَلَّمُ

«تَ» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی) مانند: تَسْتَخْرِجُ تَكْتَسِبُ تَنْسَحِبُ تَتَعَلَّمُ

«يَ» در «يَفْعَلُ» (انجام می‌دهد) مانند: يَسْتَخْرِجُ يَكْتَسِبُ يَنْسَحِبُ يَتَعَلَّمُ

«نَ» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم) مانند: نَسْتَخْرِجُ نَكْتَسِبُ نَنْسَحِبُ نَتَعَلَّمُ

«ت» + «ریشه» + «ون» در «تَفَعَّلُونَ» (انجام می‌دهید) مانند:

تَسْتَخْرِجُونَ تَكْتَسِبُونَ تَنْسَحِبُونَ تَتَعَلَّمُونَ

«ی» + «ریشه» + «ون» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهند) مانند:

يَسْتَخْرِجُونَ يَكْتَسِبُونَ يَنْسَحِبُونَ يَتَعَلَّمُونَ

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

يَبْتَسِمُ: لبخند می‌زند يَبْتَسِمُونَ:

يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید تَتَكَلَّمُ:

يَنْسَحِبُ: عقب‌نشینی می‌کند تَنْسَحِبُونَ:

يَتَعَلَّمُ: یاد می‌گیرد أَتَعَلَّمُ:

الْتَّمِرِينَ الْأَوَّلُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّالِيَةَ.

مصدر	مضارع	ماضي
اسْتِغْفَارُ: آمرزش خواستن	يَسْتَغْفِرُ:	اسْتَغْفَرَ:
اعْتِذَارُ: پوزش خواستن	يَعْتَذِرُ:	اعْتَذَرَ:
انْسِحَابُ: عقب‌نشینی کردن	يَنْسَحِبُ:	انْسَحَبَ:
تَكَلُّمُ: سخن گفتن	يَتَكَلَّمُ:	تَكَلَّمَ:

التَّمْرِينُ الثَّانِي: إِقْرَأِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ قِرَاءَةً صَحِيحَةً، وَضَعْ الْعَلَامَاتِ.



مصدر	مضارع	ماضي
استكبار	يستكبر	استكبر
افتخار	يفتخر	افتخر
انهدام	ينهدم	انهدم
تصور	يتصور	تصور
استضعاف	يستضعف	استضعف
اعتراف	يعترف	اعترف
انصراف	ينصرف	انصرف
تعمد	يتعمد	تعمد

جَوَازٌ (فِي قِسْمِ الْجَوَازَاتِ *)

شُرْطِيّ إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ	الْمُسَافِرُ
أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟	نَحْنُ مِنْ إِيْرَانِ.
مَرَحَبًا بِكُمْ * . شَرَفْتُمُونَا * .	أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.
تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!	أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ.
كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ * ؟	سِتَّةٌ.
هَلْ عِنْدَكُمْ بِطَاقَاتُ الدُّخُولِ؟	نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِّنَّا بِطَاقَتُهُ بِيَدِهِ.
الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْيَسَارِ.	عَلَى عَيْنِي.
رَجَاءً؛ إِجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.	نَحْنُ جَاهِزُونَ * .



قِسْمُ الْجَوَازَاتِ فِي الْمَطَارِ

جَوَازٌ، جَوَازُ السَّفَرِ: كُذِرْنَا بِهِ «جمع: جَوَازَاتٌ» مَرَحَبًا بِكُمْ: خُوشٌ أَمْدِيدٌ = أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ شَرَفْتُمُونَا: مَا رَأَى مَشْرَفَ فَرْمُودِيدٍ مُرَافِقٍ: هَمْرَاهُ بِطَاقَةٍ: كَارْتٌ، بَلْبِتٌ «جمع: بِطَاقَاتٌ» جَاهِزُونَ: آمَادَهُ

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. ✓ x

١- «الْبِطَاقَةُ» وَرَقَّةٌ صَغِيرَةٌ عَلَيْهَا مَعْلُومَاتٌ، أَوْ وَرَقَةٌ قِيَمَةٌ.

٢- شَرْطِيٌّ إِدَارَةٌ الْجَوَازَاتِ يُشَاهِدُ بِطَاقَاتِ الدُّخُولِ.

٣- جَمِيعُ بِطَاقَاتِ الدُّخُولِ فِي يَدِ مُدِيرِ الْقَافِلَةِ.

٤- عِنْدَ مُشَاهَدَةِ السِّيَاحِ نُرَحِّبُ بِهِمْ.

٥- لَيْسَتْ فِي الْمَطَارِ إِدَارَةٌ الْجَوَازَاتِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرَجِّمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يُكْفَرُهَا * صَلَاةٌ وَلَا صَدَقَةٌ؛ قِيلَ:

يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا يُكْفَرُهَا؟ قَالَ: أَلْهُومٌ * فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ.

[جَمَعَ الرَّسُولُ: وَ جَمَعَ الصَّدَقَةَ:]

٢- أَللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَ الْحَزَنِ * وَ الْعَجْزِ وَ الْكَسَلِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ [صَمِيرِينَ]

٣- عَلَيْكُمْ بِحُسْنِ الْخَطِّ * فَإِنَّهُ مِنْ مَفَاتِيحِ الرِّزْقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ [مُتَضَادَّ السَّوِّءِ]

٤- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ * وَ الْبِهَائِمِ *. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ [الصَّمِيرِ]

٥- إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ [وَزْنَ الْجَمِيلِ وَ الْجَمَالِ]

يُكْفَرُ الذَّنْبَ: گناه را می‌بخشد هُمُوم: اندوهها «مفرد: هَمٌّ» = أحزان حَزَن: اندوه = حُزْن
حُسْنُ الْخَطِّ: خوش خطی ≠ سوءُ الْخَطِّ بِقَاع: قطعه‌های زمین «مفرد: بُقْعَةٌ» بهائم: چارپایان (به جز درندگان) «مفرد: بهیمة»

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: اُكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

ذُنُوبٌ: هُمُومٌ: مَفَاتِيحٌ: بِطَاقَاتٍ:
 بِقَاعٌ: بَهَائِمٌ: سِيَّاحٌ: أَصْحَابٌ:

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: اِنْتِخِبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ.

- ١- أَوْرَاقٌ تُعْطِيهَا الْحُكُومَةُ لِإِثْبَاتِ الْهُوِّيَّةِ عِنْدَ السَّفَرِ إِلَى الْخَارِجِ. الْنُقُودُ الْأَصُورُ الْجَوَازُ
- ٢- رُجُوعُ الْجَيْشِ عَنِ مَوْقِعِهِ إِلَى الْوَرَاءِ فِي الْحَرْبِ: الْإِنْسِحَابُ الْكَسَلُ الْحَزَنُ
- ٣- الَّذِي يَكُونُ مَعَكَ فِي طَرِيقٍ أَوْ سَفَرَةٍ: الْجَاهِزُ الْمُرَافِقُ الشَّرْطِيُّ
- ٤- حَيَوَانَاتٌ أَهْلِيَّةٌ كَالْبَقَرِ وَالْفَرَسِ: الطُّيُورُ الْبَهَائِمُ الْأَسْمَاكُ
- ٥- قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ: النَّفَقَةُ الْعَزْوَةُ الْبُقْعَةُ

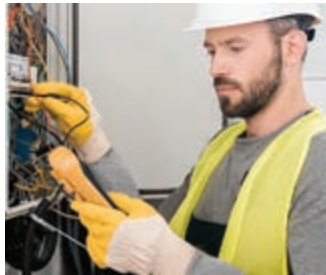
التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

مصدر	مضارع	ماضى
..... : لبخند زدن : لبخند می‌زند	اِبْتَسَمَ : لبخند زد
..... : انْقِطَاعٌ	يَنْقَطِعُ : بریده می‌شود : بریده شد
..... : اسْتِخْرَاجٌ : خارج می‌کند : خارج کرد
..... : سخن گفتن	يَتَكَلَّمُ : سخن می‌گوید : سخن گفت
..... : جشن گرفتن	يَحْتَفِلُ : جشن می‌گیرد : جشن گرفت
..... : شکسته شدن : شکسته می‌شود	انْكَسَرَ : شکسته شد
..... : به کار گرفتن	يَسْتَخْدِمُ : به کار می‌گیرد : به کار گرفت
..... : تَخَرُّجٌ : دانش‌آموخته می‌شود : دانش‌آموخته شد

أَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ أَسْمَاءِ هَذِهِ الْمِهْنِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي مُعْجَمِ فَارِسِيٍّ - عَرَبِيٍّ.

www.almaany.com/ar/dict/fa-ar/





الدَّرْسُ الرَّابِعُ



كَهْفُ عَلِيٍّ صَدْرٍ فِي مُحَافَظَةِ هَمْدَانَ



بُحَيْرَةُ سَيِّمِرِهِ فِي مُحَافَظَةِ إِيلَامَ



مِنْطَقَةُ دَلْفَارْدُ فِي مُحَافَظَةِ كِرْمَانَ



شَلالِ سَمِيرَمَ فِي مُحَافَظَةِ إِصْفَهَانَ



قَرْيَةُ رَزِينِ كَلَا فِي مُحَافَظَةِ مازَنْدَرَانَ



عَيْنُ رامِيانَ فِي مُحَافَظَةِ جَلِسْتَانَ

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾

الْعَنَكَبُوتِ: ٢٠

بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه [خداوند] آفرینش را آغاز کرد؟

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ لقمان: ١١



■ فِي أَعْمَاقِ الْبَحْرِ أَسْمَاكٌ مُضِيئَةٌ* أَضَاوُهَا مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيْشُ تَحْتَ عَيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ.

■ إِنَّ بَعْضَ الطَّيُورِ وَالْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيْزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّبِيئَةَ* وَتَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِوَقَايَةِ* مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ* هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِيئَةِ لِهَذِهِ الْأَعْشَابِ.



■ إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى* امْتِلَاقِهَا لِلْعَجَّةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ* لَعْنَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا* أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا* ، فَلِلْغُرَابِ صَوْتُ يُحَدِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعاً عَنِ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ.



■ تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ* أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ* رَأْسَهَا،
وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.



■ لَا تَتَحَرَّكُ* عَيْنُ الْبُومَةِ* ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ* هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ
جِهَةٍ، وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا مِثَّتَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.



تَمْلِكُ: مالک می شود، فرمانروایی می کند	إِتْجَاهَات: جهت ها «مفرد: إِتْجَاه»
«ماضی: مَلَكَ / مضارع: يَمْلِكُ»	إِسْتِطَاعَ: توانست «مضارع: يَسْتِطِيعُ» =
حَتَّى تَبْتَعِدَ: تا دور شود	قَدَرَ
«ماضی: اِبْتَعَدَ / مضارع: يَبْتَعِدُ»	إِضَافَةٌ إِلَى: افزون بر
حِرْبَاء: آفتاب پرست	أَصْوَاءُهَا: نورهایشان
دَلَّ: راهنمایی کرد «مضارع: يَدُلُّ»	«أَصْوَاءٌ + ها / مفرد: صَوَاءٌ»
سِروا: حرکت کنید «ماضی: سَارَ / مضارع: يَسِيرُ»	أَعْشَابُ: گیاهان «مفرد: عَشْبُ / الْأَعْشَابُ
كَهْف: غار	الطَّبِيبَةُ: گیاهان دارویی «مفرد: عَشْبُ طِبِّي»
لَا تَتَحَرَّكَ: حرکت نمی کند	إِمْتِلَاكُ: مالکیت، داشتن
«ماضی: تَحَرَّكَ / مضارع: يَتَحَرَّكَ»	أَنَّ تُحَرِّكَ: که حرکت بدهد «ماضی: حَرَّكَ /
مَعَ بَعْضٍ: با یکدیگر	مضارع: يُحَرِّكُ / دون أَنْ تُحَرِّكَ: بی آنکه
مُضِيء: نورانی	حرکت بدهد»
مِنْ خِلَالِهَا: در میان آن	بُحَيْرَةٌ: دریاچه
وَقَايَةٌ: پیشگیری	بوم، بومۀ: جغد
	تُعَوِّضُ: جبران می کند
	«ماضی: عَوَّضَ / مضارع: يُعَوِّضُ»

x ✓

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ.

- ۱- بَعْضُ الْحَيَوَانَاتِ وَ الطُّيُورِ تَدُلُّ الْإِنْسَانَ عَلَى الْأَعْشَابِ الطَّبِيبِيَّةِ.
- ۲- لِلزَّرَافَةِ صَوْتُ يُحَدِّرُ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ عَنِ الْخَطَرِ.
- ۳- تَسْتِطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.
- ۴- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ قَرِيبَةً مِنْ سَطْحِ الْبَحْرِ.
- ۵- لَا تَعِيشُ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْبَحْرِ.
- ۶- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.

اعلموا

الماضي و المضارع و المصدر (۲)

در درس سوم با چند فعل، که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است، آشنا شدید.

اکنون با چند فعل دیگر آشنا شوید:

خَرَجَ عَرَفَ دَرَسَ كَتَبَ
أَخْرَجَ تَعَارَفَ دَرَسَ كَاتَبَ

وزن فعل‌ها و مصدرهای جدول زیر را حفظ کنید.

مصدر	مضارع	ماضي
تَفَاعُلٌ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلَّ
تَفْعِيلٌ	يُفَعِّلُ	فَعَّلَ
مُفَاعَلَةٌ	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ
إِفْعَالٌ	يُفْعِلُ	أَفْعَلَ

مثال:

مصدر	مضارع	ماضي
تَشَابُهٌ: همانند شدن	يَتَشَابَهُ: همانند می‌شود	تَشَابَهَ: همانند شد
تَفْرِيحٌ: شاد کردن	يُفْرِحُ: شاد می‌کند	فَرِحَ: شاد کرد
مُجَالَسَةٌ: همنشینی کردن	يُجَالِسُ: همنشینی می‌کند	جَالَسَ: همنشینی کرد
إِخْرَاجٌ: بیرون آوردن	يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد	أَخْرَجَ: بیرون آورد

در درس سوم خواندید که آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است، شناسه است. مثال‌هایی برای یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

«ت» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم)؛ مانند:

تَعَارَفْتُ عَلَّمْتُ شَاهَدْتُ أَرْسَلْتُ

«ت» در «فَعَلْتِ» (انجام دادی)؛ مانند:

تَعَارَفْتِ عَلَّمْتِ شَاهَدْتِ أَرْسَلْتِ

«-» در «فَعَلَ» (انجام داد)؛ مانند:

تَعَارَفَ عَلَّمَ شَاهَدَ أَرْسَلَ

«نا» در «فَعَلْنَا» (انجام دادیم)؛ مانند:

تَعَارَفْنَا عَلَّمْنَا شَاهَدْنَا أَرْسَلْنَا

«تُم» در «فَعَلْتُمْ» (انجام دادید)؛ مانند:

تَعَارَفْتُمْ عَلَّمْتُمْ شَاهَدْتُمْ أَرْسَلْتُمْ

«وا» در «فَعَلُوا» (انجام دادند)؛ مانند:

تَعَارَفُوا عَلَّمُوا شَاهَدُوا أَرْسَلُوا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تَصَادَمَ: تصادف کرد تَصَادَمُوا:

حَرَكَ: حرکت داد حَرَّكَتُمَا:

سَافَرَ: سفر کرد سَافَرْنَا:

أَحْسَنَ: نیکی کرد أَحْسَنْتُمْ:

مثال‌هایی برای یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم)؛ مانند: أَتَعَارَفُ أَعْلَمُ أَشَاهِدُ أُرْسِلُ

«ت» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی)؛ مانند: تَتَعَارَفُ تُعَلِّمُ تُشَاهِدُ تُرْسَلُ

«ی» در «يَفْعَلُ» (انجام می‌دهد)؛ مانند: يَتَعَارَفُ يُعَلِّمُ يُشَاهِدُ يُرْسَلُ

«ن» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم)؛ مانند: نَتَعَارَفُ نَعْلَمُ نَشَاهِدُ نُرْسَلُ

«ت» + «ریشه» + «وَن» در «تَفَعَّلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند:

تَتَعَارَفُونَ تَعْلَمُونَ تُشَاهِدُونَ تُرْسِلُونَ

«پ» + «ریشه» + «وَن» در «يَفَعَّلُونَ» (انجام می‌دهند)؛ مانند:

يَتَعَارَفُونَ يَعْلَمُونَ يُشَاهِدُونَ يُرْسِلُونَ

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

- يُعَوِّضُونَ: جبران می‌کند
- تُعَامِلُونَ: رفتار می‌کند
- يُخْرِجُونَ: خارج می‌کند
- تَتَبَادَلِينَ: تبادل داد و ستد کرد

الْتَّمِرِينَ الْأَوَّلُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ.

مصدر	مضارع	ماضي
تَعَامَلُ: داد و ستد کردن	يَتَعَامَلُ:	تَعَامَلَ:
تَلَوِينَ: رنگ آمیزی کردن	يُلَوِّنُ:	لَوَّنَ:
مُصَافِحَةٌ: دست دادن	يُصَافِحُ:	صَافَحَ:
إِنْفَادُ: نجات دادن	يُنْقِذُ:	أَنْقَذَ:

التمرين الثاني: اِقْرَأِ الأَفْعَالَ وَ المَصَادِرَ قِرَاءَةً صَحِيحَةً، وَ ضَعِ العَلَامَاتِ.



مصدر	مضارع	ماضى
تعارف	يتعارف	تعارف
تفتيش	يفتش	فتش
مجاهدة	يجاهد	جاهد
إحسان	يحسن	أحسن

مصدر	مضارع	ماضى
تقاعد	يتقاعد	تقاعد
تكميل	يكمل	كمل
محاولة	يحاول	حاول
إجلاس	يجلس	أجلس

حوارٌ (في صالَةِ التفتيشِ بِالجماركِ) *

الزائر	شُرطي الجمارك
على عيني، ولكن ما هي المشكلة؟	اجلب هذه الحقيبة.
لا بأس.	تفتيش بسيط.
لأسرتي.	لمن هذه الحقيبة؟
تفضل، حقيبتي مفتوحة.	من فضلك، افتحها.
ليس كتاباً؛ بل دفتر الذكريات *.	ما هذا الكتاب؟
حُبوبٌ مَهْدئةٌ، عندي صداعٌ.	ما هذه الحبوب؟
ولكن أنا بحاجة إليها جداً.	هذه غير مسموحة.
شكراً.	لا بأس.



صالَة = سالن = قاعة تفتيش: بازرسى جمارك: گمرک ذكريات: خاطرات «مفرد: ذكري»

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- إِدَارَةٌ مَسْؤُولَةٌ عَمَّا *يَحْمِلُهُ الْمُسَافِرُونَ مِنْ بِلَادٍ أُخْرَى.
- ٢- الْأَعْمَالُ الَّتِي نَفَعْلُهَا لِلِابْتِعَادِ عَنِ الْخَطَرِ أَوْ الْمَرَضِ.
- ٣- حَيَوَانٌ يُدِيرُ رَأْسَهُ مَعَ حَرَكَةِ الشَّمْسِ كَأَنَّهُ يَعْْبُدُهَا.
- ٤- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ.
- ٥- طَائِرٌ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.
- ٦- أَلْشَّيْءُ الَّذِي يُعْطِي نُورًا لَنَا.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- ١- غُرَابٌ عَصْفُورٌ بَوْمٌ صَوءٌ
- ٢- حَلِيبٌ عَصِيرٌ ذِكْرِيٌّ شَايٌ
- ٣- كَلْبٌ حِرْبَاءٌ جَمَارِكٌ فَرَسٌ
- ٤- عُيُونٌ أَقْدَامٌ أَيَدِيٌّ بَسِيطٌ
- ٥- حَقِيبَةٌ سَيَّارَةٌ طَائِرَةٌ حَافِلَةٌ
- ٦- تُفَّاحٌ صُدَاعٌ عَنَبٌ رُْمَانٌ

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: اكْتُبِ مَفْرَدَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ.

عُيُونٌ: ذِكْرِيَّاتٌ: أَسْمَاكٌ: أَضْوَاءٌ: أَعْشَابٌ:

مُسْؤُولَةٌ عَمَّا: مسئول أنجه «عَنْ + ما = عَمَّا»

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

١- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الزَّرَافَةَ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ* مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَّاحِلٍ؟

٢- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ مَقْبَرَةَ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجْفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

٣- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَخْدَمَتْ نُقُودًا وَرَقِيَّةً؟

٤- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟

٥- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ أَكْثَرَ فَيْتَامِينِ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قِشْرِهِ؟



النَّشَاطُ اللُّغَوِيُّ

إِبْحَثْ عَن صُورٍ مُنَاسِبَةٍ لِخَمْسٍ مِّنَ الْمِهَنِ وَ الْحِرَفِ التَّالِيَةِ، ثُمَّ اكْتُبْ سَطْرًا لِكُلِّ مِئْنَاهَا.



برق كار: كهربايي

برنامه ريز: مبرمج، مخطط

بنا: بناة

پارچه فروش: بزاز

پژوهشگر: باحث

پستچی: ساعي البريد

پيمانكار: موقاويل

تايبيست (حروفچين): طباع، طابع على

الالة الكاتبة

تراشكار: خراط الحديد



آرايشگر زنانه: ماشطة، ماشطة

آسيابان: طحان

آهنگر: حداد

آهنگساز: ملحن

آيينه كار: فتان زحرفة المرايا

اتوكش: گوا

انباردار: امين المستودع

پيرايشگر (سلماني): خلاق



باربر: حمال

بازارياب: حبير التسويق، مسوق

بازرس: مفتش

بافنده: حائك

زرگر: صائغُ الذَّهَبِ

زنبوردار: نَحَّال، مُرَبِّي النَّحْلِ



سبزی فروش: بائعُ الخَضْرَاوَاتِ

سفالگر: فَخَّارِي، صَانِعُ الفَخَّارِ، خَزَّاف،

صَانِعُ الخَزَفِ



سنگ تراش: حَجَّار، نَحَّاتُ الأحْجَارِ

شیرینی فروش: حَلْوَانِي

صندوقدار: أَمِينُ الصُّنْدُوقِ

طراح صنعتی: مُصَمِّم صِنَاعِي

طراح لباس: مُصَمِّمُ الأَزْيَاءِ

طلافروش: بائعُ الذَّهَبِ

عکاس: مُصَوِّر

تعمیرکار: مُصَلِّح

تکنیسین: تِقْنِي

تولیدکننده: مُنتِج

چوپان: راعي (راعِ)

حسابدار: مُحَاسِب

خاتم کار: مُطَعَّمُ الخَشَبِ

خبرنگار: مُرَاسِل

خدمتکار: خَادِم

خواربار فروش: بَقَّال

خواننده: مُغَنِّي

دربان: بَوَّاب

راننده: سَائِق

راهنمای سفر: دَليْلُ السَّفَرِ

رفتگر: كَنَّاس، زَبَّال

رنگ کار: مُلَوِّن، صَبَّاغ



روزنامه نگار: صَحْفِي، صُحْفِي

كشاورز: زارع، فلاح، مزارع



كفّاش (كفشدوز): حدّاء، صانع الأحذية،

إسكافيّ



كليدساز: صانع المفاتيح

گارسون: نادل، جرسون

گچ کار: مبيّض الجدران

لوله کش: سبّاک، مصلّح الأنابيب

ماهیگیر: سمّاک



غوّاص: غوّاص

فروشنده: بائع

فیلم ساز: مَنْتِجُ الأفلام



قاب ساز: صانع الإطارات

قصاب: جَزّار، قَصّاب

کارشناس: خبیر

کارفرما: مُدیرُ العَمَلِ، رَبُّ العَمَلِ

کارگر: عامِل

کارگردان: مُخْرِج

کارمند: مُوظَّف

کاشی کار: بَلّاط



کاشی کار سنتی: فَنّان زَحْرَفَة قاشانیّة

ناخدا: رَبَّانُ السَّفِينَةِ

نانوا: حَبَّان، قَرَّان

نَجَّار: نَجَّار

نظافتچی: عَامِلُ التَّنْظِيفِ

نقاش تابلو: رَسَّام

نقاش ساختمان: صَبَّاع



نگهبان: حَارِس، ناطور

نوازنده: موسیقار، عَزَّاف

نویسنده: کاتب، مَوْلَف

واکسی: صَبَّاع

ویراستار: مُصَحِّح

هنرپیشه: مُمَثِّل

هنرمند: فَنَّان



مجری: مُخْبِر، مُذِيع

مغازه‌دار: صَاحِبُ المَتَجَرِ

مکانیک: مِکانیکِي



ملوان: بَحَّار، مَلَّاح

منبت‌کار: فَنَّان حَفْرِ الخَسَبِ



مهماندار: مُضِيف



مهندس ساختمان: مُهَنْدِسِ العِمَارَةِ

مهندس کشاورزی: مُهَنْدِسِ زِرَاعِي

أَيَّهَا الزَّمَلَاءُ ؛
إِلَى اللِّقَاءِ، نَنْتَظِرُكُمْ
فِي الصَّفِّ الحَادِي عَشَرَ ؛
حَفِظْكُمْ اللهُ ؛
فِي أَمَانِ اللهِ ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحوّل بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه‌دستی مّلی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلّمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقّق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه‌ی تعاملی برخط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلّمان درباره‌ی کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اوّلین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلّمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه‌ی راهبری دروس و مدیر محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیرانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه‌ی نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود:

اسامی دبیران شرکت کننده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن (۱) - کد ۲۱۰۱۱۱

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محلّ خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محلّ خدمت
۱	زیبا جاهیان بروجنی	اصفهان	۲۰	کامران سلیمانی	کرمانشاه
۲	معصومه ملکی	دبیرخانه. شهرستان‌های تهران	۲۱	سیدهاشم خشنود مقدّم	مازندران
۳	آمنه آقایی نعمتی	شهر تهران	۲۲	سیدامیر فضیلت جو	کهگیلویه و بویراحمد
۴	نسرین نجفی	اصفهان	۲۳	محمّد امیری فر	خراسان جنوبی
۵	سیده‌زهراسیننی طالعی	گیلان	۲۴	فریبا دانشگر	آذربایجان غربی
۶	سکینه فتّاحی‌زاده	دبیرخانه. شهرستان‌های تهران	۲۵	علی رفیعی	زنجان
۷	طهمورث سلیمانی	کردستان	۲۶	ملیحه خادم‌لو	مازندران
۸	معصومه پویا	البرز	۲۷	علی احمدی	زنجان
۹	خدیدجه حسینی	سمنان	۲۸	مصطفی بیات	البرز
۱۰	مهستی رایگان	لرستان	۲۹	فرشته بیگی	ایلام
۱۱	معصومه حسن‌زاده	شهر تهران	۳۰	لیلا اسدبرقی	آذربایجان غربی
۱۲	غضبان علی‌پور	ایلام	۳۱	خسرو گروسی	کرمانشاه
۱۳	سحر تمهیدی	دبیرخانه. شهرستان‌های تهران	۳۲	حسن عطفی	خراسان رضوی
۱۴	زهرا دباغ	آذربایجان شرقی	۳۳	عبّاس رورده	شهرستان‌های تهران
۱۵	بابک قجر	کردستان	۳۴	نسیم فرهنگ	خراسان رضوی
۱۶	مهدی شفایی	آذربایجان شرقی	۳۵	رفوف رهنمون	کردستان
۱۷	اسماعیل رسایی	کرمان	۳۶	غلامرضا یرشی	بوشهر
۱۸	ابراهیم غلامی	خراسان شمالی	۳۷	رحمان فلاّحی مقدّم	کهگیلویه و بویراحمد
۱۹	حکیمه حسنزاده جعفری	کرمان			

